

بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان دانشگاه پیام نور محلات در خصوص ازدواج*

علی سیف‌زاده^۱

علی قنبری برزیان^۲

چکیده

تصمیم‌گیری در ازدواج و نگرش درست و معیارهای مناسب مهمترین مسأله برای شروع زندگی سالم است. بنابراین به نظر می‌رسد که داشتن نگرش صحیح و مناسب نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده مسأله‌ای مهم و ضروری در آغاز تشکیل زندگی می‌باشد که پرداختن به آن و تحقیق و پژوهش در جهت روشن شدن مفهوم آن برای جوانان در شرف ازدواج، می‌تواند این موضوع حساس و سرنوشت‌ساز را به امری سهل و آسان مبدل سازد. چه بسا نداشتن نگرش درست در زمینه‌ی ازدواج، موجب شکست در زندگی زناشویی آینده‌ی جوانان شود، از این رو مطالعه و بررسی یکی از ضرورت‌ها و ابعاد زندگی یعنی ازدواج محور این پژوهش قرار گرفته‌است. هدف اصلی تحقیق، شناخت عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان دانشگاه پیام نور محلات در خصوص ازدواج می‌باشد. در این پژوهش از روش پیمایشی و از ابزار پرسشنامه بهره‌گرفته شده است. جامعه (جمعیت) آماری تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد محلات می‌باشند. همچنین از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (متناسب) استفاده شده‌است و حجم نمونه ۲۰۰ نفر می‌باشد. همچنین برای سنجش از دو نوع اعتبار محتوا و اعتبار سازه و برای محاسبه پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده‌است. نتایج تحقیق نیز با استفاده از نرم-افزار آماری SPSS در دو سطح توصیفی و تحلیلی استخراج شده‌است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به‌طور کلی اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان دیدگاه مثبتی به امر ازدواج دارند. فرضیات مطرح شده با توجه به تأثیرات احتمالی متغیرهای مستقل، رد شده و رابطه‌ی معناداری بین متغیرهای مستقل (جنسیت، سن، میزان تحصیلات، نوع شغل و میزان درآمد) و نگرش در خصوص ازدواج مشاهده نشد.

کلید واژه: ازدواج، نگرش، دانشجویان، پیام نور محلات.

* تاریخ وصول: ۹۲/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۱۰

۱- دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران seyfzadehali@yahoo.com

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسأله

پیوند مقدس ازدواج یکی از پاکترین پیوندهای اجتماعی است که خداوند متعال به منظور رشد و تعالی انسان بر آن تأکید فراوان کرده‌است. ازدواج، خود به معنای تکامل در دیگری است. ازدواج ضمن تأثیرات روحی و روانی فراوانی که به همراه دارد، به زندگی هدف می‌دهد، فرد را صاحب انگیزه می‌کند، به سالم‌سازی زندگی اجتماعی کمک و از انحراف قشر جوان جلوگیری می‌کند. ازدواج تلاش برای با هم بودن و بیرون آمدن از حصار «من» و «ما شدن» و رسیدن به نشاط، آرامش، حصول تعالی و تکامل و پرواز با بال‌های عشق است.

در ادیان الهی به ازدواج همواره به عنوان یکی از سنت‌های الهی نگریسته شده‌است. در جهان‌بینی اسلامی نیز ازدواج و نکاح مستحب مؤکد و سنتی نبوی تلقی شده‌است. پیامبر اسلام (ص) نسبت به امر ازدواج و ترویج آن تأکید داشته و امت خود را به این امر تشویق و ترغیب می‌کرده‌اند و فرموده‌اند: «بهترین امت من در درجه‌ی اول کسانی هستند که ازدواج کرده‌اند و مردان و زنان بدون همسر در رتبه‌ی آخر قرار دارند.» همچنین ایشان درجایی دیگر می‌فرمایند: «هیچ بنایی در اسلام پایه‌گذاری نشده است که در پیشگاه خداوند محبوبتر و عزیزتر از امر ازدواج باشد.»

دختران و پسران جوان، در فراز و نشیب زندگی به محیطی امن و پایگاهی عاطفی نیازمندند و مهمترین فردی را که می‌توانند برای تأمین این نیاز برگزینند، همسر است. ایشان به وسیله‌ی ازدواج، در کنار یکدیگر از آرامش، امنیت و سلامت روان برخوردار خواهند شد. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد...» (اعراف، ۱۸۹)

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نیز پژوهش‌های زیادی در مورد ارتباط مثبت سلامت روان و ازدواج انجام داده‌اند و خانواده را مهمترین نهادی دانسته‌اند که جامعه را تغذیه کرده و در سلامت و عدم سلامت آن مؤثر است. محیط خانواده که با ازدواج تشکیل می‌شود، در شکل‌گیری شخصیت و روند اجتماعی شدن افراد جامعه بسیار تأثیرگذار است. خانواده در تهذیب اخلاق و جهت دادن افراد به سوی انسانیت و پرورش و تکوین شخصیت آنان می‌تواند نقش فوق‌العاده‌ای را ایفا کند.

خانواده از آن رو که زیربنا و ریشه‌ی همه نهادهای اجتماعی است، قدرتمندترین کانون اثرگذاری و مؤثرترین مرکز برای سازمان دهی یا نابسامانی اجتماع و عامل تشکیل و نظم دهی به جامعه است. ازدواج و تشکیل خانواده از قدیمی‌ترین نهادهای زندگی بشر است که از دیرباز مورد توجه متفکرین علوم اجتماعی، علوم اخلاقی و علمای مذهبی و سایر دانشمندان قرار گرفته‌است.

بدیهی است که ازدواج همچون هر پدیده‌ی اجتماعی دیگری دارای هنجارهایی است که این هنجارها نسبت به هر جامعه‌ای و نیز هر مقطع زمانی متفاوت می‌باشند. در کشور ما نیز در دوران کنونی، مسائل ازدواج دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد.

از یک طرف ایران همچون سایر کشورهای جهان سوم در مرحله‌ی گذر از سنت به مدرنیته است که تغییرات اجتماعی وسیعی را در همه‌ی پدیده‌های اجتماعی از جمله در ازدواج و همسرگزینی ایجاد کرده است؛ تغییراتی که موجب شده است تا مردان و زنان نگرش نوینی از پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند و آن‌را نه فقط به عنوان یک رابطه‌ی جنسی و تولید نسل، بلکه برای بوجود آوردن یک زندگی کمال‌گرا توأم با عشق و همدلی و همدمی بدانند.

دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات مردان و زنان به مراتب بیشتر از گذشته شده است. از طرف دیگر در عصر مدرنیته، تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی گروه‌های اجتماعی و نیز آحاد جامعه بیشتر شده و همانندی‌های گذشته کم‌رنگ شده است. بنابراین پرداختن به موضوع ازدواج، موانع و مشکلات بر سر راه آن به عنوان یک مسأله اجتماعی نیازمند تحقیق و بررسی می‌باشد. لذا پژوهش حاضر در نظر دارد عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و همسرگزینی را مورد بررسی قرار دهد.

۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

از مهمترین سنن و عاداتی که در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع بشری رواج دارد ازدواج است که به رابطه نزدیک بین زن و مرد اطلاق می‌شود. این رابطه در انسان‌ها نظیر سایر ارتباطات و فعالیت‌های اجتماعی وی بر اساس شناخت و عاداتی خاص انجام می‌گیرد، زیرا هر انسانی همسر خود را به نحوی با عادات و سنن رایج در فرهنگ وی و بخصوص طرز تلقی‌اش از آنها انتخاب می‌کند.

ازدواج در انسان‌ها منجر به تشکیل یک نهاد اجتماعی با هویت و شاید با هویت‌ترین نهاد اجتماعی می‌شود که به آن خانواده می‌گویند و مسائل مربوط به آن از نخستین روزهای پیدایش بشر بر عرصه‌ی خاک و شگفتی‌های اندیشه‌ی بشری در گستره‌ی عظیم تاریخ خرد و آگاهی همواره بخش قابل توجهی از اشتغالات فکری انسان را تشکیل داده است. متأسفانه این نهاد پرارزش اجتماعی در جوامع انسانی همانطور که شاهد آن هستیم دچار ناسازگاری‌ها و مشکلاتی شده است.

بخش عمده‌ی این ناسازگاری‌ها و مشکلات همانطور که انتظار می‌رود به همان پیوند آغازین یعنی ازدواج و جزئیات مرتبط با آن مربوط می‌شود. از سویی ازدواج پیچیده‌ترین و مهمترین رابطه‌ی انسانی است. ولی با وجود چنین پیچیدگی، ازدواج‌های کنونی اغلب بدون اطلاعات کافی و آگاهی‌های فردی و

اجتماعی صورت می‌پذیرند. بنابراین رسیدن به یک زندگی توأم با تفاهم و توافق همیشه ایده‌آل زوج-هاست و آنچه باید بدانیم این است که جامعه‌ی بشری در آغاز قرن بیست و یکم بیش از هر چیز به تفاهم و وحدت نظر و عمل نیازمند است و رسیدن به تفاهم مستلزم کوشش همه‌جانبه است. بدیهی است که برای رسیدن به یک زندگی آرمانی و ازدواج موفق، جوانان باید نگرشی درست و صحیح نسبت به ازدواج و انتخاب همسر داشته‌باشند و هدف اصلی تشکیل خانواده را از نظر دور ندارند، ولی با توجه به درصد بالای ازدواج‌های ناموفق چنین به نظر می‌رسد که جوانان عامل اصلی و اساسی یک ازدواج موفق که همانا داشتن نگرشی مناسب و صحیح نسبت به ازدواج است را مدنظر قرار نداده‌اند.

بنابراین آنچه که به ذهن انسان خطور می‌کند این است که نگرش جوانان نسبت به ازدواج و همسرگزینی چیست؟ ازدواج بهترین راه حل برای تأمین نیازهای عاطفی و احساسی فرد است و زندگی مشترک تنها در کانون خانواده شکل می‌پذیرد و اساس سعادت، گذشت و فداکاری، صداقت و صمیمیت است. باید در نظر داشت که هیچ انسانی کامل نیست و قاعدتاً همسران نیز از این اصل مستثنی نیستند، پس باید سعی کرد در انتخاب شریک و همسر آینده‌ی خود فردی میانه‌رو و معتدل بود زیرا هدف از ازدواج تصور داشتن بهشت موعود نیست که فرد بخواهد تمام امیال و آرزوهای خود را بعد از ازدواج ارضاء نماید بلکه ازدواج یک عمر زندگی کردن و سازش با مشکلات زندگی می‌باشد.

هر فردی با انتخاب بجا و از روی دقت و در نظر گرفتن مناسبات روحی و اخلاقی و خانوادگی می‌تواند موجب نیکبختی در خانواده شود. تصمیم‌گیری در ازدواج و نگرش درست و معیارهای مناسب مهمترین مسأله برای شروع زندگی سالم است. (مه‌آبادی‌راد، ۱۳۷۱) بنابراین به نظر می‌رسد که داشتن نگرش صحیح و مناسب نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده مسأله‌ای مهم و ضروری در آغاز تشکیل زندگی می‌باشد که پرداختن به آن و تحقیق و پژوهش در جهت روشن شدن مفهوم آن برای جوانان در شرف ازدواج، می‌تواند این موضوع حساس و سرنوشت‌ساز را به امری سهل و آسان مبدل سازد. چه بسا نداشتن نگرش درست در زمینه‌ی ازدواج، موجب شکست در زندگی زناشویی آینده‌ی جوانان شود، از این‌رو مطالعه و بررسی یکی از ضرورت‌ها و ابعاد زندگی یعنی ازدواج محور این پژوهش قرار گرفته است.

۳- سوابق مطالعات انجام شده

سعیدی‌رضوانی و حسن زادگان رودسری (۱۳۷۲) در تحقیق خود تحت عنوان مقایسه‌ی دیدگاه‌های دختران و پسران دانشجو درباره‌ی همسرگزینی و ازدواج که در بین دانشجویان پسر و دختر مجرد دانشکده‌ی ادبیات صورت گرفت، به این نتایج دست یافتند: در مجموع ۸۳/۱٪ دانشجویان معتقد بودند

که ازدواج اهمیت زیاد یا خیلی زیادی در زندگی دارد و تنها ۱۶/۹٪ اعتقاد دارند که این امر اهمیت متوسط یا کمی دارد. شاخص میزان اهمیت برای پسران دانشجو ۸۷/۶٪ و برای دختران ۸۱/۳٪ می‌باشد. دوری گزیدن از تشریفات و مراسم ازدواج نیز مطلوب پسران دانشجو بود. ۵۲٪ پسران در مقابل ۳۸٪ دختران چنین نظری داشته‌اند. در خصوص اینکه معیارهای همسرگزینی در بین شما چه معیاری است؟ ۹۴٪ مردان در مقابل ۵۷٪ زنان چنین اظهار نظر کرده‌اند که بیشترین معیار زیبایی می‌باشد. سطح تحصیلات، اعتقادات مذهبی و گرایش‌های سیاسی از نظر این دو گروه جنسی تفاوت بسیار کمتری وجود دارد.

عزیزی (۱۳۷۷) در تحقیق خود در مورد رابطه‌ی پایگاه اقتصادی- اجتماعی دختران تحصیل‌کرده‌ی شاغل در سن تأخیری ازدواج بر نگرش آنها در مورد همسان همسری، مورد شهر شیراز نشان داد که: شاخص‌های پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان (میزان سواد، درآمد و منزلت شغلی) با نگرش آنها در مورد همسان همسری رابطه‌ی معنی‌داری داشته و با افزایش سواد، درآمد و منزلت شغلی آنان، انتظارات آنها در مورد همسران آینده‌شان نیز بیشتر می‌گردد. همچنین از میان شاخص‌های پایگاه محول با پاسخگویان، تنها سن آنها با نگرش آنها در همسان همسری رابطه‌ی معنی‌دار دارد. اما ارتباط متغیر سن با نگرش آنها در مورد همسان همسری منفی است و با افزایش سن پاسخگویان، نمره‌ی همسان همسری آنها کاهش می‌یابد و این بدان معنی است که با افزایش سن پاسخگویان انتظارات آنها از همسر آینده‌ی‌شان کاهش یافته و معیارهای آنان برای انتخاب همسر تا حد زیادی دارای حالت متعادل و تعدیل یافته می‌باشد. شاید عدم ارتباط پایگاه اقتصادی- اجتماعی محول پاسخگویان با نگرش آنها در مورد همسان همسری به این دلیل باشد که شخصیت دختران در سن بالاتر از ۲۵ سال که شاغل بوده و از تحصیلات نسبتاً بالایی نیز برخوردار هستند شکل گرفته است و وابسته به سطح سواد والدین و نوع شغل آنها و میزان درآمد والدین نمی‌باشد.

عاشوری (۱۳۵۷) در تحقیق خود به بررسی همسرگزینی در ابعاد گوناگون اجتماعی پرداخته است. به اعتقاد وی گرچه در ابتدا ممکن است اینطور پنداشته شود که ازدواج پدیده‌ای صرفاً فردی است، اما واقعیات اجتماعی نشان می‌دهد که ازدواج همواره تحت تأثیرات مصالح اقتصادی- اجتماعی قرار گرفته و به بیان دیگر متأثر از ساخت کلی جامعه است و متناسب با دگرگونی‌های اجتماعی، تغییراتی در همسرگزینی از لحاظ اجتماعی پدید آمده است. بنابراین بررسی همانند همسری از جنبه‌های اجتماعی، تأثیرات پایگاه اقتصادی- اجتماعی فردی و خانوادگی (اکتسابی و انتسابی) در تحرک اجتماعی زنان در ازدواج و تأثیرات پایگاه اقتصادی- اجتماعی فردی (اکتسابی) زنان بر همسرگزینی آنان از اهداف عمده‌ی تحقیق ایشان می‌باشد.

ایرانپور (۱۳۷۶) در مطالعه‌ی خود تحت عنوان بررسی ملاک‌ها و عوامل موفق در همسرگزینی و ارتباط آن با برخی از ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان به این نتایج دست یافت که: مهمترین ملاک‌ها در همسرگزینی عبارت بودند از: وفاداری، اخلاق خوب، احترام به حقوق یکدیگر، صمیمیت، احساس مسئولیت، گذشت، شخصیت و... حال آنکه اعتقادات مذهبی، خانوادگی همسر، استقلال و عشق‌دارای اهمیت متوسط و جاذبه‌ی جنسی، مسکن، سن، پول و زیبایی از اهمیت کمتری برخوردار هستند.

حق‌دوست و دیگران پژوهشی تحت عنوان «نگرش دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور نسبت به عوامل مؤثر بر ازدواج»، در سال ۷۴ در تهران انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در رابطه با سن ازدواج، بین زنان و مردان تفاوت آماری معناداری دیده می‌شود. هر دو جنس وجود دوره‌ی نامزدی را لازم می‌دانستند. مهمترین انگیزه‌ی ازدواج در جوانان چه پسر و چه دختر احساس شدید روانی به داشتن همدم و همراز است. (حق‌دوست و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۰ و ۲۶)

عزیزی پایان‌نامه‌ی خود را با نام «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی دختران تحصیلکرده‌ی شاغل در سن تأخیری ازدواج بر نگرش آنها در مورد همسان همسری»، در شهر شیراز با نمونه ۴۰۰ نفری در بهار ۱۳۷۷ انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان با نگرش آنها در مورد همسان همسری رابطه معناداری داشته و با افزایش سواد، درآمد و منزلت شغل آنان، انتظارات آنها در مورد همسران آینده‌شان نیز بیشتر می‌گردد. (عزیزی، ۱۳۷۷، ۳)

کالمین مطالعه‌ی تحت عنوان «ازدواج همسان در زمینه‌ی پایگاه شغلی اقتصادی و فرهنگی» در سال ۱۹۹۴ با استفاده از سرشماری‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در منطقه‌ای از شیکاگو انجام داد. این مطالعه دو فرضیه - همانندی فرهنگی و رقابت اقتصادی را در سطح خرد درباره‌ی همسانی پایگاه بررسی می‌کند. در این پژوهش که مشغولیت‌های مشروح تازه عروس‌ها و دامادها با استفاده از طیف‌ها و مدل‌های خطی لگاریتم که برای تحلیل جداول ۷۰*۷۰ ازدواج برمبنای شغل، مورد بررسی قرار گرفته است، بر این امر اشاره دارد که در ازدواج، همسانی از نظر پایگاه فرهنگی مهمتر از همسانی در پایگاه اقتصادی است. بعد اقتصادی همسانی پایگاه وقتی مهمتر می‌شود که مردم دیر ازدواج کنند و همسانی پایگاه اقتصادی بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به علت همسانی پایگاه فرهنگی افزایش یافته است. (کالمین، ۱۹۹۴: ۴۲۲) این تحقیق نشان می‌دهد که گرایش به همسانی پایگاه فرهنگی در همسرگزینی، همان‌طور که بوسیله‌ی معیارهای شغلی سنجش می‌شود بدنبال شباهت فرهنگی، نقش مرکزی را در فرآیند انتخاب همسر، بازی می‌کند. (همان، ۴۴۸)

تحقیقی در سال ۱۹۹۸ توسط چینکائو کوئیان در آمریکا با عنوان «تغییرات همسان همسری در ازدواج در طول سال‌های ۱۹۹۰ - ۱۹۷۰»، انجام گردید. این تحقیق به بررسی تمایل به ازدواج با استفاده از

تأثیرات سن و دستیابی تحصیلی همسران پرداخته و نتایج نشان داد که: (۱) در دوره‌ی ۱۹۸۰ - ۱۹۷۰ کاهش زیادی در تمایل برای ازدواج با تفاوت نسبتاً کم از نظر سنی و تحصیلی تجربه گردیده‌است. (۲) در دوره‌ی ۱۹۹۰ - ۱۹۸۰ تنوع‌های بیشتری را با سن و تحصیل در تمایل به ازدواج نشان می‌دهد، که شامل کاهش‌هایی برای مردان و زنان زیر ۲۵ سال است و افزایش‌هایی برای مردان و زنان در سنین بالاتر و کاهش‌های بیشتری برای افراد دارای تحصیلات کم است. زنان با تحصیلات بالا، نسبت به زنان کمتر تحصیل کرده، گرایش بیشتری به ازدواج دارند. کاهش شدید میزان‌های ازدواج جوانان، مردان و زنان با تحصیلات پایین، تمایل کمتری را در بازار ازدواج به علت محدودیت منابع اقتصادی ایشان نشان می‌دهد. (کوئیان، ۱۹۹۸: ۲۸۹۰)

۴- چهارچوب نظری

۴-۱- مفهوم ازدواج

از دیرباز جوامع مختلف پیوند میان زن و شوهر را به عنوان ازدواج مورد قبول قرار داده‌اند. اما در طول زمان انواع مختلفی از ازدواج‌ها پدید آمده‌است. با وجود تنوع در ازدواج در دوران مختلف و در جوامع گوناگون، تشابهات و عناصر نسبتاً ثابتی در این پدیده‌ی اجتماعی وجود داشته است. کارلسون ازدواج را اینگونه تعریف می‌کند: «ازدواج فرآیندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به‌طورکلی عمل آنها مورد پذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده‌است.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳)

زیگان نیز ازدواج را اینگونه تعریف می‌نماید: «ازدواج عبارتست از پیوند میان دو انسان از دو جنس مخالف که از طریق این پیوند رسمی و قانونی مجازند که با یکدیگر مناسبات جنسی برقرار نمایند.» (مهدوی، ۱۳۷۷)

لوی اشتروس رابطه‌ی فرهنگ و طبیعت را در پدیده‌ی ازدواج مورد تأکید قرار می‌دهد: «ازدواج برخوردی است دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت، یا میان قواعد اجتماعی و کنش جنسی.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳)

در مجموع تعاریفی که از ازدواج شده است، عناصر ذیل را مورد توجه قرار داده‌اند:

- پیوند زناشویی میان زن و شوهر؛
- قانونی و مشروع بودن پیوند (با توجه به فرهنگ جامعه)؛
- زندگی دائمی (در برخی فرهنگ‌ها مثل اسلام، ممکن است که ازدواج دائمی نباشد)؛

-کنش متقابل.

به عبارت دیگر مجموعه تعاریف ازدواج، آنرا به عنوان پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که طی آن، به منظور تشکیل و ادامه‌ی زندگی زناشویی، بین زن و مرد پیوندی قانونی و مشروع برقرار می‌گردد که از یک سو متکی بر نیازهای طبیعی است و از طرف دیگر در ارتباط با هنجارهای اجتماعی صورت می‌گیرد. این هنجارها مبتنی بر فرهنگ، قوانین، شرایط و تجربیات هر جامعه‌ای متغیر می‌باشند.

۵- عوامل مؤثر بر ازدواج

عوامل متعددی وجود دارد که در ازدواج مؤثر می‌باشند؛ چنانچه این عوامل نادیده گرفته شوند، زوجین در زندگی شاد و خوشبخت نخواهند بود. مهمترین این عوامل به شرح ذیل است:

عوامل سیاسی و اجتماعی، تحصیلات، عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل اخلاقی و روانی، عوامل جسمی و ژنتیک، سن و شغل.

ازدواج‌هایی که بدون توجه به عوامل فوق انجام گیرد، سعادت و خوشبختی در آن احتمالی است. دختر و پسری که از نظر اجتماعی اختلاف سطح داشته باشند، از نظر فرهنگی یا سطح تحصیلات، وضعیت مالی، اخلاقی، سن و شغل شرایط ناهماهنگی داشته باشند، در زندگی مشترک نمی‌توانند هماهنگی ایجاد نمایند و دیر یا زود با ناسازگاری و نابسامانی مواجه خواهند شد و چنانچه پیوند زناشویی گسسته نشود، نشاط و شادکامی در آن نخواهد بود (حسینی بیرجندی، ۱۳۷۷)

به نظر بیرجندی (۱۳۷۷)، عوامل مؤثر بر ازدواج را می‌توان به شرح ذیل طبقه بندی نمود:

۵-۱- عوامل اجتماعی در ازدواج

یکی از عواملی که موجب اختلاف در زندگی زناشویی می‌شود عامل اجتماعی است. پسری که در یک خانواده‌ی اشرافی بزرگ شده و برای خود حیثیت اجتماعی قائل می‌باشد، ممکن است با یک دختر از خانواده‌ی کارگر به علل مختلف از قبیل زیبایی و یا هم دانشگاهی بودن و یا علل دیگری ازدواج نماید. ابتدا ممکن است این موضوع مشکلی ایجاد نکند، ولی به تدریج امکان دارد معاشرت پدر و مادر خانواده-ی شوهر بدین علت که وصلت با یک خانواده‌ی کارگر و رفت و آمد با اقوام و خویشاوندان وی به حیثیت و اعتبار خانوادگی آنها لطمه می‌زند، منجر به ناسازگاری و اختلاف گردد و اگر به طلاق منجر نشود، احتمالاً زندگی موفق نخواهد داشت.

این حالت ممکن است برای زن نیز ایجاد گردد. دختری که از یک طبقه‌ی مرفه است اگر با مردی تحصیلکرده از طبقه‌ی پایین اجتماع ازدواج کند احتمال آن دارد که همان حالت در زمان معاشرت‌های خانوادگی دو طرف بوجود آید.

۵-۲- عوامل فرهنگی در ازدواج

مهمترین عاملی که در ازدواج نقش مؤثری دارد عامل فرهنگی است. چه بسیار خانواده‌هایی که به علت ناهماهنگی در زمینه‌های مختلف فرهنگی وضع نابسامانی دارند و یک عمر را در رنج و ناراحتی می‌گذرانند. عوامل فرهنگی ابعاد مختلفی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۵-۲-۱- دین و مذهب

اعتقادات دینی و مذهبی در ازدواج نقش مهمی دارد. دختر و پسری که با اعتقادات دینی متفاوت ازدواج می‌کنند، پس از احساسات پرشور جوانی، در زمینه‌های مختلف اختلاف نظر و احتمالاً ناسازگاری خواهند داشت. از جمله در زمینه‌های تربیت فرزندان، عقاید و فرایض و مراسم دینی، تفریحات و ...

۵-۲-۲- آداب و رسوم

در جوامع مختلف آداب و رسوم متفاوتی رایج است که گاه عقاید یک جامعه با عقاید جامعه‌ی دیگر در تضاد می‌باشد و این موضوع بخصوص در مسأله‌ی زناشویی قابل توجه است.

۵-۲-۳- اعتقادات و باورها

در زندگی هر فرد ارزش‌ها و ضدارزش‌های فرهنگی نقش مهمی دارد. باید توجه داشت که در اینجا مهم نیست که کدام ارزش و عقیده خوب یا بد است، در اینجا آنچه مطرح است؛ اختلاف اعتقادات و باورها و نقش آنها در زندگی خانوادگی است.

این موضوع باید قبل از ازدواج مورد توجه قرارگیرد و فرد همسری انتخاب کند که اعتقادات و باورهای او به اعتقادات و باورهای وی نزدیک باشد. در این صورت آنها خواهند توانست با روش‌های منطقی بر اعتقادات و باورهای یکدیگر تأثیر گذاشته و اختلاف‌های جزئی را حل و ایجاد تفاهم نمایند. از دیگر عوامل فرهنگی قابل ذکر در ازدواج می‌توان به سنت‌ها، وضع ظاهری و... اشاره کرد.

۵-۳- عوامل اقتصادی در ازدواج

اختلاف سطح اقتصادی در دو خانواده که قصد پیوند با یکدیگر را دارند، باید مورد توجه قرار گیرد. پسر جوانی که در یک خانواده‌ی فقیر بزرگ شده و فرضاً تحصیلاتی هم دارد، دختری از خانواده‌ی مرفه را نمی‌تواند اقناع کند. او در یک زندگی با امکانات زیاد بزرگ شده و توقعاتی که در خانه‌ی شوهر دارد

در همان سطح است و چون چنین وضعیتی در خانه‌ی شوهرش نخواهد داشت، احتمال وجود و بروز اختلاف و ناراحتی وجود دارد. بنابراین باید به امکانات مالی و رفاه خانواده در زمان انتخاب همسر توجه خاص مبذول گردد.

۴-۵- تحصیلات و ازدواج

میزان تحصیلات از عوامل مهم تشکیل دهنده‌ی شخصیت؛ بخصوص در ایران تعیین کننده‌ی وجهه‌ی اجتماعی است. آنچه در ازدواج مهم است سطح تحصیلات است. به موارد زیر می‌توان درباره‌ی میزان تحصیلات زن و شوهر اشاره کرد:

الف- زن دارای تحصیلات بالاتری نسبت به مرد باشد؛ زنی که دارای تحصیلات عالی بوده، پزشک یا مهندس باشد با مردی که از تحصیلاتی در حد متوسط برخوردار است، تفاهم ندارد. دیدگاه‌ها و عقاید و خواسته‌هایشان با هم متفاوت است و برای رسیدن به اتفاق نظر در خصوص دیدگاه‌ها و عقایدشان پیوسته در تضاد و کشمکش خواهند بود.

ب- مرد دارای تحصیلات بالاتری نسبت به زن باشد؛ در این حالت هم مثل حالت فوق مشکلاتی مانند همان مشکلات ذکر شده بوجود خواهد آمد.

ج- میزان تحصیلات مرد و زن یکسان است یا تفاوت چندانی ندارد؛ در این حالت لاقلاً اشتراکی در سطح تحصیلات و موقعیت تحصیلی وجود خواهد داشت. در این حالت اگر نوع تحصیلات نیز به هم نزدیک باشد، اتفاق نظرات و تفاهمات نزدیکتر خواهد بود.

۵-۵- عوامل اخلاقی و روانی ازدواج

مهمترین عامل مؤثر در ازدواج، عوامل اخلاقی و روانی است. بسیاری از کسانی که ازدواج‌هایشان از هم گسیخته است، علت را عدم توافق اخلاقی ذکر می‌کنند. هرچند ممکن است این سرپوشی برای پوشاندن سایر عوامل باشد؛ ولی واقعیت این است که عدم توافق اخلاقی محکم‌ترین ضربه را بر پیکره‌ی خانواده وارد می‌کند.

عوامل اخلاقی و روانی که در توفیق و حفظ زناشویی مؤثرند و باید قبل از ازدواج در انتخاب همسر مورد توجه قرار گیرند، متعدّدند. مواردی دیده شده‌است که خصوصیات اخلاقی افراد تحت تأثیر پیشامدها و مشکلات زندگی تغییر پیدا کرده و زندگی شیرین خانوادگی به تلخی و تباهی کشیده شده‌است. بنابراین ثبات در ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی از عواملی است که در ازدواج نقش مهمی بر عهده دارد.

۵-۶- مقاصد و نتایج ازدواج

از نظر قائمی (۱۳۷۴) ازدواج دارای مقاصد و نتایجی می‌باشد: ازدواج برای اطمینان از استحکام جامعه لازم است و در جامعه خانواده واحد اصلی است و باعث جاودان سازی سنن، آداب و رسوم و اخلاق می‌شود. ازدواج دارای مقاصد و نتایجی است که برخی از آنها عبارتند از: ۱- ارضای گرایش‌های غریزی ۲- بقای نسل ۳- تکمیل و تکامل ۴- آرامش و اطمینان ۵- راز عفاف و تکمیل دین و انجام وظیفه‌ی الهی. ازدواج و تشکیل کانون گرم خانواده، دارای آثار مثبت و مفید از جهات مختلف است، تا آنجا که رسول اکرم (ص) فرمود: «درهای رحمت الهی در آسمان در چهار مورد بر روی بندگان گشوده می‌شود: ۱- هنگام آمدن باران ۲- هنگام نگاه (مهرانگیز) فرزندان به چهره پدر و مادر ۳- هنگام باز شدن کعبه ۴- هنگام ازدواج.»

۶- موانع ازدواج

واقعیت این است که گاهی موانعی بر سر راه ازدواج افراد وجود دارد که از ازدواجشان جلوگیری می‌کند.

این موانع متعددند و برخی از آنها می‌تواند بدین قرار باشد:

۱- وجود ابهام برای آینده از آن بابت که زندگی تا حال برای او و خانواده‌اش ملالت‌بار بوده و او می‌خواهد افق روشن‌تری را در برابر خود بیابد؛

۲- وجود تجارب تلخ از دوستی‌ها و ابراز محبت‌ها و میل و علاقه به اینکه تجارب ارزنده‌تری پیدا کند؛

۳- نیاز به اطمینان این مسأله که آینده‌اش مثل آینده‌ی والدینش نخواهد شد و کارش دائماً به صحنه منازعه کشانده نمی‌شود؛

۴- علاقه به کسب موفقیت و یافتن یک شخصیت متعادل و متناسب؛

۵- میل به تحصیل برای رسیدن به آگاهی‌های لازم یا کسب مدرک تحصیلی به‌عنوان سند افتخار و شخصیت؛ البته نتایج تحقیقات انجام شده نشان داده است که: مادرانی که زود ازدواج کرده‌اند و موقعیت‌های تحصیلی را از دست داده‌اند بیش از دیگران در معرض طلاق قرار گرفته‌اند. (مه‌بادی راد، ۱۳۷۱: ۵۲-۴۱)

۶- آشنا و مأنوس نبودن با افراد غریبه و نیکو نشناختن خواستگار؛

۷- علاقه به دیگری و قول و قرارهای قبلی با دیگران؛

۸- وجود موانعی دیگر که کم و بیش علنی شدن آن موجب وارد آمدن لطماتی بر زندگی و شخصیت خانوادگی اوست.

۷- همسان همسری قاعده‌ی جهانی همسرگزینی

افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسان. انسان سده‌ی بیستم، انسان رها از موانع و سدهای نیرومندی است. گواهی زنده بر تحرک همزمان جغرافیایی و اجتماعی است. این انسان با آزادی فراخ و گسترده‌ای همسر خود را برمی‌گزیند. اما زندگی اجتماعی بی‌سامان نیست، فرد از گروه خود تأثیری‌پذیرد و به محض آنکه بخواهد خود را از این تأثیرات برهاند با دشواری‌های گوناگون رو به رو می‌شود. عواملی که بر ابتکار و نوآوری فرد اثر می‌گذارند، بسیارند و دقیقاً همین عامل‌ها هستند که وی را به سوی ازدواج همسان می‌رانند. باورمن می‌گوید: «انسان، دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد.» آنگاه چنین نتیجه می‌گیرد: «افراد در تمامی سنین، در میدانی فراخ‌تر از آن که تصادف بتواند بر آن کارگر شود، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشند.» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۰)

به گمان لاک و برگس: «در هر لحظه، بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه‌انه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین.»

ضرب‌المثل شاعرانه‌ای می‌گوید: «عشق سدها را می‌شکند» اما نباید چنین نتیجه گرفت که این گرایش شاعرانه قادر است کلیه‌ی گرایش‌های دیگری را که برای گزینش همسر در ما وجود دارد، تحت تأثیر قرار دهد. همسانی میان دو فرد نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوارتر می‌سازد. به سخن دیگر ناهمسانی میان دو همسر، سرچشمه‌ی کشمکش‌های خانوادگی است. طرفداران پرشور نظریه‌ی ناهمسان همسری در امور ذهنی، وینچ و کتسان هستند. آلن ژیرارد می‌گوید: «اندیشه‌های این نویسندگان از بررسی نمونه‌های بدست آمده که کمابیش متعدد نیز هستند پیروی نمی‌کنند.» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۲)

به گمان او آزمون‌های موجود مؤید این اندیشه‌اند که پیوندهای زناشویی بیشتر بر اساس همسان همسری انجام می‌گیرد تا ناهمسان همسری و آنگاه با تکیه به داده‌های پرسشنامه‌ی خود در فرانسه نتیجه گرفت که بیشتر پرسش‌شوندگان با کسانی زناشویی کرده‌اند که از هر لحاظ در نزدیکی و مجاورت ایشان قرار داشته‌اند و بیشتر اعتقادشان بر این است که در ازدواج بهتر است زوجین به مکان و محیط یگانه‌ای تعلق داشته باشند. اما در مورد عواملی که انسان‌ها را به گزینش فردی بر می‌انگیزند که همسان آنان باشد و

باز در مورد علل تداوم و استحکام زناشویی‌هایی که بر پایه‌ی همسانی زوجین قوام می‌یابند، باید گفت به نسبت، مهمترین عاملی است که انسان را به سوی انتخاب همگونان خویش می‌راند و نیز به ویژه عاملی است که شالوده‌ی مستحکم ازدواج‌های کمابیش همسان را قوام و تداوم می‌بخشد.

۸- همسان همسری از دیدگاه جغرافیایی

انسان اساساً آزاد است لیکن در همان حال با بندهایی گوناگون مواجه است و تناقض اساسی عصر ما نیز در همین جاست. در میان موانعی که امکان انتخاب همسر را محدود می‌سازند، به رغم تمامی امکانات جدید حمل و نقل و ارتباط - که در جهت کاستن از نیرو و جبر جغرافیا پیش می‌روند - وضع جغرافیایی کماکان اثر خود را بر انسان اعمال می‌کند. به گفته آلن ژیرارد: «در واقع امکان انتخاب به معنای امکان برخورد است و نزدیکی محل سکونت، خود به منزله‌ی مقدمه و زمینه برای وصلت افراد به شمار می‌آید.» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۵)

به گمان والز: «این یک عامل غیرشخصی است که گزینش همسر را تحت تأثیرات قرار می‌دهد.» همین دقت و موشکافی پژوهندگان متعدد به این پژوهش، خود می‌تواند مؤید اهمیت تعیین کننده‌ی این عنصر در امر انتخاب همسر باشد. بوسارد ضمن مطالعه‌ای که درباره‌ی پنج هزار زناشویی در پنج ماهه‌ی نخستین سال ۱۹۳۱ داشته، مشاهده کرده‌است که بیش از یک سوم این ازدواج‌ها میان کسانی صورت گرفته که در فاصله‌ی بیست ساختمان از یکدیگر سکونت داشته‌اند. (همان)

کونولد: «نظریه‌ی همجواری می‌پذیرد که ازدواج در میان اشخاصی که از نظر مکان به یکدیگر نزدیک هستند، به مقیاس گسترده‌تری انجام می‌شود تا ازدواجی که معلول تصادف باشد.» آنگاه می‌افزاید: «معنای این سخن سلطه و چیرگی مکان بر اراده‌ی انسان نیست بلکه بدین معناست؛ کسانی که به هم نزدیک هستند، مقدار زیادی صفات و عادات همگون دارند» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۶).

مقایسه‌ای که کندی میان دو بررسی انجام شده در نیوهاون راجع به همجواری پیش از ازدواج، به عمل آورده جزء به جزء با نتایج بدست آمده درباره‌ی کاهش تأثیر این عامل مخالفت شده‌است. او معتقد است که به رغم افزایش تعداد کسانی که تغییر مکان می‌دهند، تأثیر عامل جغرافیایی رو به فزونی است. اما به نظر ما دشوار می‌آید که این نتیجه‌گیری را به مجموع وصلت‌های عصر خود تعمیم دهیم (همان، ۴۶).

مطالعات انجام شده در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران حاکی از آنست که ۱۵/۵ درصد از دانشجویان اظهار نظر کرده‌اند که ناهمسانی محیط جغرافیایی، یکی از موانع ازدواج می‌باشد (رضوانی، رودسری، ۱۳۷۲).

۹- همسان همسری بر مبنای ویژگی‌های جسمانی

در اوایل این قرن پیرسون به تمایل افراد هم قد برای ازدواج با یکدیگر تکیه می‌کرد. ویژگی‌های دیگری چون رنگ چشم، رنگ گیسوان و جز اینها نمی‌توانند بر شکل‌گیری زناشویی‌ها مؤثر نباشند اما آنچه میان ویژگی‌های جسمانی و بیرونی انسان در امر انتخاب همسر هنوز به عنوان تعیین کننده‌ترین عامل باقی‌است، عامل نژاد است. این از آن روست که در یک گذشته‌ی طولانی تاریخی که سیاهان در زنجیر بردگی به سر برده‌اند، این ویژگی جسمانی شدت و اهمیت یافته است. در ایالات متحده، با توجه به اینکه، به گفته موژی، جماعت‌های ناهمگون و نامتجانس همانند پدیده‌های داخل یک «کوره‌ی ذوب» یا بوت‌ه روی هم انباشته شده‌اند، پدیده تعلق نژادی چهره‌ی عیان‌تر و آشکارتر دارد. محققان گوناگونی که معتقدند افراد نژادهای مختلف از تماس با یکدیگر می‌پرهیزند، در اعتقاد خود چندان به خطا نمی‌روند.

مکتب اسلام نیز توصیه می‌کند که به دنبال همسران رشید، نیرومند و برخوردار از سلامت‌تن بروید. (قائمی، ۱۳۷۲: ۳۳) در هر حال، بیان عناصری که تعریف انسان به یاری آنها انجام می‌گیرد، عنصر فیزیکی را باید عنصری تعیین کننده دانست. در صورتی که دو همسر از لحاظ دارا بودن مواد رنگین در پوست خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند، باید دارای ویژگی‌های مشترک دیگری باشند تا به وصلت با هم برانگیخته شوند. پانونزیو در بررسی خود در شهر لوس‌آنجلس که درباره‌ی زناشویی میان نژادهای گوناگون انجام داد، مشاهده کرده است که در این زناشویی‌ها، زن و شوهر فرهنگ کمابیش مشابهی دارند. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۲) در هر حال باید گفت در میان یک سلسله عامل‌هایی که شخصیت انسان را تشکیل می‌دهند، مقام عامل جسمانی تا حد یک عنصر قابل پذیرش است.

۹-۱- عامل سن در ازدواج

نزدیکی محل سکونت و شباهت پاره‌ای ویژگی‌های جسمانی آنچنان کافی نیستند که دو فرد را به پیوند زناشویی وادارند. گویا در این میان متغیرهای دیگری نیز وجود دارند، اما نزدیکی سنی یکی از بنیادی‌ترین آنهاست.

آلن ژیرارد می‌نویسد: «آگاهی‌های جمعیت‌شناسانه درباره سن همسران به هنگام زناشویی آموزنده است و می‌دانیم که بیشتر اوقات، افرادی با هم پیوند زناشویی می‌بندند که از لحاظ سنی به هم نزدیک باشند.» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۷)

از این رو همسانی سنی را باید به عنوان یک ضریب مهم همسان همسری که در جامعه‌های باختری از اهمیت والایی برخوردار است در نظر گیریم. اما پرسشی که در اینجا پیش می‌آید چنین است: تفاوت

افراد از نظر سنی و وظیفه‌ی اجتماعی - حرفه‌ای، در چه مقیاسی به فاصله‌ی سنی کم و بیش زیادی میان دو همسر خواهد انجامید؟ بررسی هالینگشید به نام همبستگی سن ازدواج که میان سال‌های ۴۹ - ۱۹۴۱ در شهر نیوهایون انجام گرفته، آگاهی‌های سودمندی در اختیار ما می‌گذارد. او از پژوهش خود چنین نتیجه می‌گیرد که در ازدواج میان دو فرد مجرد، زنان نسبت به مردان در سن کمتری ازدواج می‌کنند اما در مواردی که مرد برای نخستین بار ازدواج می‌کند و زن برای دومین بار، شوهر معمولاً جوان‌تر است و اختلاف سنی میان او و همسرش آشکارتر خواهد بود. با این حال جدایی سنی میان دو همسر، دوباره هنگامی محسوس‌تر می‌شود که هر دوی آنها در زناشویی دوشمن باشند و سن شوهر میان چهل و پنجاه قرار داشته باشد.

نتایجی که بامیستر و همکارانش از بررسی خود به دست آورده‌اند نیز همین پدیده را تأیید می‌کند، به نظر آنها:

الف - مردان مایلند با زنان جوان‌تر از خود ازدواج کنند.

ب - هر قدر شوهر به هنگام ازدواج سالمندتر باشد، اختلاف سنی میان او و همسرش به طور متوسط بیشتر خواهد بود. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ص ۵۲)

ببینیم که نظر اسلام در این خصوص چه می‌باشد؛ از نظر شرعی منعی در این نیست که فرد مسنی با فرد کم سن ازدواج کند ولی در موارد بسیاری اینگونه ازدواج‌ها منجر به شکست می‌شوند. ازدواج فردی جوان با فردی مسن این اشکال را بوجود می‌آورد که هرکدام به اقتضای سن و سال خود خواسته‌هایی دارند و سلیقه‌ی آنها در زندگی و نگرش‌شان به امر زندگی به گونه‌ای دیگر است. در خصوص تناسب سنی طبق تحقیقات انجام گرفته در ایران، برای خانم‌ها بین ۱۸ تا ۲۴ سال و برای آقایان ۲۴ تا ۲۸ سال برآورده شده است. (نوابی نژاد، ۱۳۷۴: ۱۲)

این ارقام به دیدگاه‌های روان‌شناسی خانواده بسیار نزدیک است. روانشناسان خانواده با توجه به ویژگی‌های بلوغ روانی و اجتماعی، فاصله‌ی سنی زوجین را ۲ تا ۶ سال در نظر گرفته‌اند.

۹-۲- همسان همسری اجتماعی

مسئله همسان همسری اجتماعی افراد، یکی دیگر از مسائل مهم در امر ازدواج می‌باشد. والر در گفتاری به نام زناشویی‌های درون گروهی تأکید می‌کند که: «مهمترین واقعه در امر همسرگزینی، گرایش آن به سوی وصلت‌های اجتماعاً همسان است» و این بدان معناست که ما خواهان ازدواج در طبقه‌ی خویش هستیم. ماروین نیز تأکید می‌کند: «تعداد ازدواج‌هایی که در آمریکا در درون گروه‌های اجتماعی انجام گرفته ۲/۸ بار بیشتر از ازدواج‌هایی است که به طور تصادفی انجام شده‌اند» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۲)

۹-۳- همسان همسری تحصیلی

یکی دیگر از مسائل مهم در امر ازدواج، مسأله‌ی همسان بودن تحصیلی است. در فرانسه در ۶۶ درصد زناشویی‌ها، همسران تحصیلاتی همسان داشته‌اند و اگر اندازه‌ی تحصیلات نزدیک به هم و متشابه را نیز به حساب آوریم این نسبت تا ۸۸ درصد افزایش خواهد یافت. (همان، ۶۰)

برنت در تحقیق خود به نام تحرک اجتماعی و ازدواج مشاهده می‌کند که در ۷۱ درصد ازدواج‌ها، نظام فکری و سطح تحصیلات زن و شوهر یکی بوده است. (همان، ۶۰)

۹-۴- همسان همسری از نظر امور ذهنی و معنوی

زن و شوهر می‌باید پیش از آنکه به یک سطح فرهنگی نزدیک - و نه حتی همگون - نائل شوند، هر دو از سطح هوشی همانند برخوردار باشند. پس می‌توان پنداشت که از نظر هوش، همسرگزینی اجتماعی - فرهنگی در درون خود مستلزم همسانی است. این همگونی و تجانس در واقع چنان محسوس بوده که نگرانی پاره‌ای دانشمندان را برانگیخته است. زیرا آنان می‌گویند اگر انتخابی که براساس همسان همسری انجام می‌گیرد، دو انسان را با سطح هوشی یکسان به هم می‌پیوندد و اگر شمار کودکان خانواده‌های باهوش‌تر نسبت به خانواده‌های دیگر طبعاً کمتر است، پس باید چشم به راه روزی بود که این خصیلت والا (هوش) که میز انسان و حیوان است در نژاد بشری نابود گردد. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۶۳)

مذهب یکی از مهمترین جلوه‌های لطیف ذهن انسان است که از سرچشمه‌های معنوی و الهی تغذیه می‌کند از این رو، بدون بررسی روابط مذهبی همسران نمی‌توان تحلیل همسرگزینی از نظر ذهنی را پایان یافته پنداشت.

بوسارد در یک زناشویی و دو ایمان می‌نویسد: «زناشویی میان زن و مردی که مذاهب مختلف دارند به دشواری‌های شخصی و خانوادگی گوناگون می‌انجامد و تنها با اراده‌ای استوار نمی‌توان از آنها پرهیز کرد. زیرا باورهای مذهبی همیشه و در همه‌جا سرچشمه‌ی بنیادین تلقیات جمعی بوده‌اند، البته این تلقیات خود نمودار و نمایشگر اخلاقیات یک قوم درباره‌ی زن و مرد است.»

به عقیده‌ی لوگال، تا پیش از ازدواج مذهب بر رفتار جوانان مؤثر است، لیک پس از زناشویی، ناباوری‌های دینی یکی از طرفین دشواری‌های فراوانی برای آنها فراهم می‌کند و باعث ایجاد بگو مگوهای دائمی می‌گردد. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۶۴-۶۳)

خلاصه آنکه، ازدواج در درون گروه‌های مذهبی، یا به سخن دیگر همسان همسری بر بنیان تعلق دینی، در دوره‌ی ما به صورتی روشن و استوار تجلی می‌کند و همچون گذشته بر پیوندهای زناشویی اثر می‌گذارد و حتی گاه بر عوامل دیگری که به تدریج اهمیت خود را از کف می‌دهند پیشی می‌گیرد. به طور کلی از کلیه‌ی معیارهای همسان همسری می‌توان به مطالعات انجام شده در این زمینه متکی بود و آن اینک: «مهمترین عوامل ناکامی در زندگی زناشویی، نداشتن شناخت کافی زن و مرد از یکدیگر، زمینه‌های تربیتی و پرورش آنان در خانواده، هماهنگ نبودن آنها در انگیزه‌ی ازدواج و اهداف مربوط به آن، نداشتن تشابهات اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و خانوادگی است.» (نوابی نژاد، ۱۳۷۶)

۹-۵- انتخاب همسر از دیدگاه فرهنگی

بررسی همسانی یا ناهمسانی دو همسر از دیدگاه فرهنگی، با معیارهای گوناگون امکان‌پذیر است. بررسی خواسته‌ها، تمایلات و به‌طور کلی جهان‌بینی انسان‌ها می‌تواند ضوابطی از این نظر باشند. در این خصوص، صرفاً ضابطه‌ی تحصیلی مطرح نظر است. از این دیدگاه نیز همسانی زوجین ناهنجاری کلی شناخته می‌شود. در مشهد از ده خانواده در چهار مورد زن و مرد تحصیلاتی دست‌کم شبیه به یکدیگر داشتند. در تهران این نسبت به یک در سه مورد می‌رسید. به عبارت دیگر، در هر سه خانواده‌ی مورد بررسی، یک خانواده‌ی زن و شوهری را در بر می‌گرفت که از نظر تحصیلی در حدی کاملاً مشابه بودند. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۲۹)

این نسبت‌ها را با در نظر گرفتن مدرک تحصیلی به صورت دیگری می‌خوانیم؛ در مشهد از پنج ازدواج در سه مورد، یا هیچ یک از زوجین تحصیل نکرده‌اند و یا آنکه هردوی آنان مدرکی درست شبیه به یکدیگر دارند و در تهران نسبتی مشابه را ملاحظه می‌کنیم. (همان، ۱۲۹)

باید اضافه کرد که همسانی زوجین ایرانی در مقایسه با کشورهای غربی از نظر تحصیل کمتر است و این خود نتیجه‌ی تمایز فاحش زن و مرد از نظر تحصیل است. در واقع عدم تساوی زن و مرد در تحصیل، موجب تفوق نسبتاً مداوم در ایران است. این تفوق به نوبه‌ی خود به تداوم پدرسری در جامعه‌ی ما می‌انجامد.

۱۱- فرضیات تحقیق

- بین جنسیت و نگرش نسبت به ازدواج رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- بین سن و نگرش نسبت به ازدواج رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

- بین سطح تحصیلات و نگرش نسبت به ازدواج رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- بین شغل و نگرش نسبت به ازدواج رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- بین میزان درآمد و نگرش نسبت به ازدواج رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۱۲- روش‌شناسی

در این پژوهش از روش پیمایشی و از ابزار پرسشنامه بهره‌گرفته شده‌است. جامعه (جمعیت) آماری تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد محلات می‌باشند. همچنین از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (متناسب) استفاده شده‌است و حجم نمونه ۲۰۰ نفر می‌باشد. همچنین برای سنجش از دو نوع اعتبار محتوا و اعتبار سازه و برای محاسبه‌ی پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده‌است. نتایج تحقیق نیز با استفاده از نرم افزار آماری SPSS در دو سطح توصیفی و تحلیلی استخراج شده‌است. برای توصیف یافته‌های تحقیق از جداول یک بعدی استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون‌های آماری T، تحلیل واریانس (F) استفاده شده‌است.

۱۳- یافته‌های تحقیق

اکثریت دانشجویان (۹۰٪) ازدواج را امری مهم در زندگی تلقی می‌کنند و به تأثیرات مهم آن در زندگی فردی و اجتماعی شخص آگاهند. درصد بالایی از دانشجویان (۸۴٪) با حدیث پیامبر (ص) در مورد اهمیت ازدواج موافقت می‌کنند. از دیدگاه ادیان مختلف به خصوص دین اسلام ازدواج و تشکیل خانواده امری بسیار مهم و حیاتی است و نه تنها جنبه‌های فردی و اجتماعی دارد بلکه از جنبه‌ی دینی و شرعی نیز برخوردار است و در احادیث و روایات بزرگان به این امر تأکید فراوان شده‌است.

جدول (۱): توزیع فراوانی و درصد موافقت با حدیث پیامبر (ص) در مورد ازدواج

موافقت با حدیث پیامبر (ص)		گزینه‌ها
درصد	فراوانی	
۵۶	۱۱۲	خیلی زیاد
۲۸	۵۶	زیاد
۱۲	۴۸	متوسط
۲	۴	کم
۲	۴	خیلی کم
۱۰۰	۲۰۰	مجموع

تقریباً نیمی از پاسخگویان (۴۸٪) به کمتر شدن مشکلاتشان پس از ازدواج اعتقاد دارند و ازدواج را راه حلی برای هموار نمودن بسیاری از مشکلات و مسائل در زندگی می‌دانند. انسان با ازدواج موفق به آرامش و خوشبختی دست می‌یابد و بسیاری از مسائلی را که قبل از ازدواج نمی‌توانست حل کند با انتخاب درست و صحیح شریک زندگی خود، می‌تواند با آرامش، تفکر، تدبیر و مشورت با همسر خود از میان بردارد و به موفقیت در زندگی نائل گردد.

بسیاری از پاسخگویان (۷۰٪) به محدود شدن آزادیها پس از ازدواج معتقدند و این امری کاملاً طبیعی است، زیرا ازدواج و تشکیل خانواده مسؤلیت‌هایی را برای فرد در قبال همسر و خانواده‌اش به همراه دارد که در زمان مجرد هیچ یک از این انتظارات و مسؤلیت‌ها متوجه فرد نبوده است و این مسؤلیت‌ها به محدود شدن آزادی‌های شخصی می‌انجامد.

جدول (۲): توزیع فراوانی و درصد نظر دانشجویان درباره‌ی محدود شدن آزادی‌ها پس از ازدواج

دیدگاه دانشجویان در مورد محدود شدن آزادی‌ها پس از ازدواج		گزینه‌ها
درصد	فراوانی	
۲۶	۵۲	خیلی زیاد
۴۴	۸۸	زیاد
۱۶	۳۲	متوسط
۸	۱۶	کم
۶	۱۲	خیلی کم
۱۰۰	۲۰۰	مجموع

بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۸٪) موافقت می‌کنند که با ازدواج استعدادهایشان شکوفا شده و تکامل می‌یابد و این منطقی به نظر می‌رسد، زیرا فرد با ازدواج صحیح در مراحل مختلف زندگی به موفقیت دست می‌یابد. زوج‌ها کامل کننده‌ی یکدیگرند و در زمینه‌های مختلف می‌توانند با یکدیگر همکاری و همفکری داشته باشند و راه صحیح را در رسیدن به اهداف مطلوب خود در پیش گیرند.

درصد بالایی از دانشجویان (۷۲٪) دیدگاه مثبتی به زندگی پس از ازدواج دارند و نشان‌دهنده‌ی این است که جوانان از هرجنسیت و مقطع سنی به ازدواج با دید مثبتی می‌نگرند و آن‌را امری مطلوب در زندگی خود می‌دانند.

جدول (۳): توزیع فراوانی و درصد دیدگاه مثبت به زندگی پس از ازدواج

دیدگاه مثبت به زندگی پس از ازدواج		گزینه‌ها
درصد	فراوانی	
۲۸	۵۶	خیلی زیاد
۴۴	۸۸	زیاد
۱۶	۳۲	متوسط
۱۰	۲۰	کم
۲	۴	خیلی کم
۱۰۰	۲۰۰	مجموع

همچنین اکثریت پاسخگویان (۸۰٪) به دستیابی به موفقیت پس از ازدواج اعتقاد دارند و آنرا راهی برای رسیدن به خواسته‌ها و اهداف نهایی خود می‌دانند.

در نتیجه می‌توان اظهار داشت با وجودی که جوانان به محدود شدن آزادی‌های خود پس از ازدواج اعتقاد دارند، لیکن به طور کلی اکثریت آنان دیدگاه مثبتی نسبت به ازدواج دارند و آنرا امری با اهمیت تلقی می‌کنند و معتقدند که ازدواج در تکامل استعدادهای شخص و دستیابی به موفقیت تأثیرات بسزایی دارد.

بنابراین این نهاد اجتماعی که از دیرباز مورد توجه جامعه قرار داشته و از سوی جامعه مکانیسم‌هایی برای تداوم آن پیش‌بینی گشته، در میان دانشجویان مورد بررسی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین با توجه به انجام محاسبات و بدست آوردن نتایج نهایی در تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از طریق ابزار پرسشنامه و تکنیک مصاحبه و انجام آزمونهای آماری ناپارامتری مربوطه (χ^2) جهت تحلیل استنباطی از داده‌های بدست آمده درباره ی نمونه ی مورد مطالعه و همچنین فرضیات مطرح شده، چنین استنباط می‌شود که:

فرضیه ی (۱)، رابطه ی بین متغیر جنسیت و نگرش نسبت به ازدواج رد می‌شود و رابطه ی آماری معناداری بین این دو متغیر دیده نمی‌شود. بدین معنا که بین دو جنس اختلاف معناداری در نگرش نسبت به ازدواج وجود ندارد.

فرضیه ی (۲)، رابطه ی بین متغیر سن و نگرش نسبت به ازدواج رد می‌شود و بیانگر این است که بین نگرش افراد در چهار گروه سنی مختلف نسبت به ازدواج اختلاف آماری معناداری وجود ندارد.

فرضیه‌ی (۳)، رابطه‌ی بین متغیر میزان تحصیلات و نگرش نسبت به ازدواج رد می‌شود. بر اساس محاسبات انجام شده در این مورد بین سطوح مختلف تحصیلات و نگرش نسبت به ازدواج رابطه‌ی آماری معناداری بدست نیامد.

فرضیه‌ی (۴)، رابطه‌ی بین متغیر شغل و نگرش نسبت به ازدواج رد می‌شود. بین شاغلین در پنج گروه شغلی و نحوه‌ی نگرش به ازدواج اختلاف معناداری از لحاظ آماری وجود ندارد.

فرضیه‌ی (۵)، رابطه‌ی بین متغیر میزان درآمد خانوار و نگرش نسبت به ازدواج رد می‌شود. بین سطوح مختلف درآمد که اکثراً نیز به گروه متوسط تعلق دارند براساس آزمون انجام شده در مورد مذکور اختلاف آماری معناداری مشاهده نشد.

۱۴- نتیجه‌گیری

بنابر نتایج بدست آمده از یافته‌های توصیفی و تحلیلی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد: اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان مورد مطالعه ازدواج را امری مهم تلقی می‌کنند و نگرش مثبتی نسبت به ازدواج دارند و آنرا راهی برای دستیابی به موفقیت بیشتر و رسیدن به رشد و تکامل خویش می‌دانند.

با توجه به میزان تحصیلات و شغل پدر و میزان درآمد خانوار دانشجویان، مشخص می‌شود که تقریباً کل پاسخگویان از قشر متوسط جامعه می‌باشند.

با توجه به اینکه؛ تعداد افراد هر دو جنس بصورت برابر شرکت کرده‌اند، از لحاظ میزان تحصیلات اکثراً متعلق به گروه‌های زیر دیپلم و متوسطه می‌باشند، از لحاظ درآمد در گروه متوسط طبقه‌بندی می‌شوند و در مورد شغل پدر نیز بیشترین میزان متعلق به شغل کارمندی است لذا به طور کلی در پاسخ به سؤالات مطرح شده دیدگاه مشابهی داشته‌اند.

۱۵- راه حل مشکلات ازدواج

در پایان با توجه به آخرین پرسش مطرح شده در پرسشنامه در مورد راه حل مشکلات ازدواج، پاسخ‌ها متوجه محدود کردن توقعات، حمایت مالی خانواده، اعطای وام‌های طویل‌مدت از سوی دولت و دوری‌گزیدن از تشریفات در مراسم ازدواج می‌باشد. در این مورد می‌توان اظهار داشت که محدودکردن توقعات و دوری‌گزیدن از تشریفات در مراسم ازدواج بیشترین انتخاب را داشته‌اند و نشان‌دهنده‌ی این است که جوانان به این امر واقفند که توقعات بالا و انجام مراسم ازدواج با تشریفات و تجملات زیاد می‌تواند موانع بزرگی بر سر راه آنان در امر ازدواج باشند.

بررسی تئوری‌های مختلف پیرامون ازدواج نشان می‌دهد که مشکلات گوناگونی در امر ازدواج جوانان وجود دارد. این مشکلات می‌تواند مشکلات ساختاری جامعه باشد که به صورت مشکلات عام اجتماعی درآمده و جامعه را دستخوش تغییرات در همه‌ی پدیده‌ها از جمله ازدواج و همسرگزینی می‌نماید.

دورکیم تمایزات فردی را به عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر مشکلات جوانان در ازدواج و همسرگزینی می‌داند. همچنین همسان همسری نیز بسیار مورد تأکید جامعه‌شناسان می‌باشد. از دیگر مشکلات در این مورد می‌توان به توقعات و انتظارات جوانان و خانواده‌های آنان در آستانه‌ی ازدواج اشاره کرد. باید توجه داشت که از عمده‌ترین نیازهای معیشتی جوانان برای شروع زندگی جدید، داشتن مسکن مستقل - هرچند بصورت اجاره‌ای و رهنی - می‌باشد که با توجه به بالا بودن نرخ‌های اجاره‌ی مسکن، بسیاری از جوانان امکان اجاره نمودن یک خانه‌ی کوچک را نیز دارا نمی‌باشند. علاوه بر آن، داشتن اتومبیل و یا بسیاری از لوازم منزل که در سال‌های اخیر برای تشکیل خانواده مرسوم شده است، موجب شده تا جوانان نتوانند بین درآمدهای خود و هزینه‌های ضروری زندگی تعادلی بوجود آورده و تشکیل یک خانواده مستقل - ازوالدین خود- را امکانپذیر بدانند.

بنابراین جوانان و والدین آنان باید حتی‌المقدور از زیاده‌خواهی و تجمل‌گرایی در امر ازدواج دوری گزینند تا آنان بتوانند بدون دغدغه و نگرانی به این امر مقدس روی آورند و یک زندگی لذت بخش و پایدار را در کنار یکدیگر آغاز نمایند.

۱۳- پیشنهادها

از آنجایی که ازدواج یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی جوانان است، خانواده‌ها و دولت موظفند در راستای تحقق به موقع این مهم امکاناتی را برای دختران و پسران فراهم نمایند که این امکانات شامل موارد ذیل می‌باشد:

امکانات فرهنگی: ایجاد نگرش صحیح نسبت به مسأله ازدواج و تسهیل آن، کنار نهادن آداب و رسوم و اعتقاداتی که بر سر راه ازدواج جوانان مانع ایجاد می‌کند، آموزش جوانان جهت آماده نمودن آنان برای ازدواج در زمان مناسب، فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها جهت ازدواج آسان و موفق و...
امکانات اجتماعی: دولت موظف است جهت اجرای امر الهی « وانكحوا الایامی » امکانات اجتماعی لازم را جهت تسهیل ازدواج جوانان فراهم نماید. در این راستا ایجاد مراکز آموزشی و مشاوره‌ای جهت

تسهیل انتخاب همسر مناسب، ایجاد هماهنگی بین تحصیلات با ازدواج و مسئولیت تشکیل خانواده، ایجاد هماهنگی بین خدمت نظام وظیفه و امر ازدواج و مسئولیت‌های خانوادگی ناشی از آن و ...

امکانات اقتصادی: خانواده در امور اقتصادی مربوط به ازدواج از جمله جهیزیه، مهریه، برگزاری مراسم عقد و عروسی و ... به هر مقدار که از سخت‌گیری بی‌جا پرهیزند، روند ازدواج جوانان از سرعت بیشتری برخوردار می‌گردد و نیز این نهاد نوپا از آسیب پیامدهای ناشی از زیاده‌خواهی و تجمل‌گرایی زوجین در امان خواهد ماند.

بر دولت نیز لازم است تا جهت اشتغال جوانان در سن ازدواج، فراهم نمودن مسکن ارزان قیمت جهت زوج‌های جوان، کمک اقتصادی جهت برگزاری مجالس عقد و عروسی و ... که همگی امکانات اقتصادی لازم جهت تسهیل ازدواج جوانان می‌باشد، اقدامات مقتضی را انجام دهد.

همچنین برای اینکه در جامعه شاهد تشکیل خانواده‌هایی مستحکم و سالم باشیم لازم است تا قبل از ازدواج، دختران و پسران جوان از آلودگی‌های اخلاقی و گناهان پرهیز نمایند.

بنابراین مسئولیت خویش‌داری دختران و پسران تا آستانه‌ی ازدواج، برای داشتن یک زندگی موفق در آینده و مصون ماندن از آسیب‌های غیر قابل جبران لازم و ضروری است، به همین جهت در اسلام بر لزوم رعایت حریم در روابط زن و مرد خارج از چارچوب ازدواج تأکید فراوانی وجود دارد و در صورت تخلف، مجازات‌های سنگینی برای متخلفان مقرر گردیده است.

۱۴- پیشنهادها برای تحقیقات آینده

یک محقق دلسوز همواره به دنبال آنست که مسائل مبتلا به جامعه را زیر ذره بین علت‌یابی گذاشته، ابعاد و جوانب آن‌را روشن نماید تا به این طریق مسؤولین امر را در جهت راه‌حل‌ها و برنامه‌ریزی‌ها یاری رساند.

توصیه می‌گردد که در تحقیقات آتی، سایر مسائل و مشکلات قشر جوان مورد بررسی قرارگیرد، زیرا این گروه به عنوان نیروی کارآمد و پرتوان بالفعل می‌بایست عهده دار مسئولیت‌های مملکت گردند. چه بسا شناخت و توجه به خصوصیات و مسائل آنان، زمینه‌ی سازندگی و پویایی بیشتر این قشر را فراهم می‌سازد و به موازات عدم توجه به نیازها و مشکلات جوانان، بازتاب‌های ناخوشایندی را برای خود، خانواده و جامعه‌یشان در بر خواهد داشت. بنابراین بهتر است به تحقیقات گسترده‌تری در مورد مسائل جوانان و روش‌های رفع مشکلات آنان پرداخته شود.

فهرست منابع

۱. آقاجانی، احمد، (۱۳۷۶)، پایان نامه بررسی ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مجرد ۱۸ تا ۲۵ ساله‌ی دانشگاه‌های تهران و رابطه‌ی آن با نگرش آنها به ازدواج، تهران.
۲. اعزازی، شهلا، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
۳. اسکید مور، ریچارد، (۱۳۷۲)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، نشر سفید، تهران.
۴. ایرانیپور، علی، (۱۳۷۶)، پایان‌نامه بررسی ملاک‌ها و عوامل موفقیت در همسرگزینی و ارتباط آن با برخی از ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان، تهران.
۵. جعفری مزدهی، افشین، (۱۳۸۲)، مقاله عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران، پژوهش زنان، شماره‌ی ۵، دوره‌ی ۱ بهار ۱۳۸۲، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، تهران.
۶. دریایی، تورج، (۱۳۸۳)، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، انتشارات ققنوس، تهران.
۷. ریتز، جورج، (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محمد صادق مهدوی و همکاران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۸. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، تهران، چاپ دوم.
۹. قرائتی، عبدالعلی، (۱۳۷۳)، ملاک همسرگزینی از دیدگاه روانشناسی و تعلیم و تربیت اسلامی، گزیده‌ی مقالات و سخنرانی‌های سمینار جوانان، تهران.
۱۰. گلزاده، فرخنده، (۱۳۶۲)، پایان‌نامه مطالعه‌ای درباب شیوه‌ای همسرگزینی جامعه‌ی پزشکان، تهران.
۱۱. حسن زادگان رودسری، ماهرخ. سعیدی رضوانی، نوید، (۱۳۷۲)، مقایسه‌ی دیدگاه‌های دختران و پسران دانشجو درباره‌ی همسرگزینی و ازدواج، رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۱۷، تهران.
۱۲. عزیزی، ابوطالب، (۱۳۷۷)، پایان‌نامه بررسی رابطه‌ی پایگاه اقتصادی- اجتماعی دختران تحصیل‌کرده‌ی شاغل در سن تأخیری ازدواج بر نگرش آنها در مورد همسان همسری مورد شهر شیراز.

۱۳. عاشوری، الهه، (۱۳۷۵-۱۳۷۴)، پایان نامه پایگاه اجتماعی و انتخاب همسر، تهران.
۱۴. علی آبادی، خدیجه، (۱۳۷۶)، مقدمات تکنولوژی آموزشی، انتشارات پیام نور، تهران، چاپ یازدهم.
۱۵. حسینی بیرجندی، سید مهدی، (۱۳۷۷)، مشاوره در آستانه‌ی ازدواج، انتشارات آوای نور، تهران.
۱۶. خمینی، روح ا... (بی تا)، رساله‌ی توضیح المسائل، حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۱۷. شهابی، محمود، (۱۳۷۱-۱۳۷۰)، پایان نامه آرمان‌های زوجیت و همسرگزینی در شهر تهران، تهران.
۱۸. شیعه نیوز، سایت خبری تحلیلی <http://shia-news.com>
۱۹. حق دوست، علی اکبر و دیگران، (۱۳۷۴)، بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج. مجله اندیشه و رفتار، جلد دوم، شماره ۳.
۲۰. قائمی، علی، (۱۳۷۲)، خانواده و مسائل نوجوان و جوان، جلد دوم، انتشارات شفق، تهران، چاپ ششم.
۲۱. مشکینی، علی، (۱۳۶۶)، ازدواج در اسلام، احمد جنتی، انتشارات الهادی.
۲۲. معنوی، عزالدین. فدایی، فرید، (۱۳۶۲)، ازدواج و طلاق از دیدگاه روانپزشکی، انتشارات سهامی حجر، تهران.
۲۳. محمدی اشتهاردی، محمد، (۱۳۷۲)، ازدواج آسان و شیوه‌ی همسررداری، انتشارات نبوی، قم.
۲۴. میلز، سی‌رایت، (۱۳۶۰)، بینش جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی عبدالمعبود انصاری، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۲۵. مهابادی راد، ناهید. بچاری، سمیه، (۱۳۷۱)، روانشناسی ازدواج و تشکیل خانواده، انتشارات حافظ، تهران.
۲۶. نوابی نژاد، شکوه، (پاییز ۱۳۷۴)، خلاصه‌ی مقاله‌ی ازدواج و روانشناسی زن و مرد، تهران.
۲۷. نوابی نژاد، شکوه، (۱۳۷۶)، قبل از ازدواج به این مسائل فکر کنید، روزنامه همشهری، شماره ۱۲۴۲، تهران.
۲۸. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۵)، جواهرالکلام. مکتب الاسلامیه، ج ۲۹، صص ۸-۵.

۲۹. ویل دورانت، (۱۳۷۰)، لذات فلسفه. ترجمه‌ی عباس زریاب، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.

30. Qian, Z. (1993). Chances in Assortative Mating: The Impact of Age and Education, 1970-1990. *Demography*, Vol. 35, No. 3, PP. 279-292.